



علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

هنرنمایش به‌خاطر توانایی‌های منحصر به‌فردی همچون ارتباط تنگاتنگ با فرد، تمرکز بر تحلیلات و ضریب نفوذ بسیار در افکار و احساسات، از برجسته‌ترین مجراهای انتقال، احیا، تقویت، تغییر، ویرایش و حتی آفرینش ارزش‌هاست. تئاتر از دیرباز محلی برای فراگیری بوده و هنرمندان آن همواره در تلاش هستند تا مسائل، چالش‌ها، نقدها، خواسته‌ها، کمبودها، راهکارها و... را از ناخودآگاه افراد به خودآگاه تبدیل کنند؛ واقعیت‌های از یاد رفته را یادآوری و در نهایت در جامعه فرهیختگی ایجاد کنند. این توانمندی ویژه باعث شده تا بسیاری از بزرگان عرصه هنر و ادبیات و حتی صاحب‌نظران مسائل تربیتی و روان‌شناسی کودکان و نوجوانان در مسیر الگوپذیری از تئاتر به‌عنوان یک بازوی توانمند یاد کنند. همین موضوع نیز باعث شده تئاتر کودک به‌عنوان یکی از شاهکدهای فهم فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. مسأله‌ای که به‌نظر می‌رسد در کشور ما آن‌گونه که باید به آن توجه نشده یا به بیانی بهتر از آن غفلت کرده‌ایم.

به عبارتی بهتر می‌توان گفت تئاتر کودک پایه‌یای تئاتر بزرگسال روی صحنه رفته و به‌رغم مشکلات فراوانی که همواره گریبانگیر هنرمندان آن است، در کمتر برهه‌ای شاهد خالی بودن صحنه از تئاتر کودک بوده‌ایم. اتفاقا میمونی که گرچه در یک نگاه سطحی و گذرا می‌شود از آن به‌عنوان یک موفقیت یاد کرد اما بی‌شک وقتی کمی به عمق می‌رویم حکایت فرق می‌کند و باید بپذیریم که نتوانسته آن‌گونه که انتظار می‌رفت بر اهداف اصلی خود یعنی حمایت از آینده‌سازان جامعه با آموزش، نهادینه‌کردن ارزش‌ها، ارائه‌الگو و در بیانی جامع‌تر فرهنگ‌سازی برای یک زندگی بهتر در جامعه موفق باشد. اما علت چیست؟ چرا تئاتر کودک با وجود توانایی‌های بافعل و بالقوه متعدد هنوز نتوانسته در جایگاه اصلی خود در جامعه حاضر شود؟ مشکل کجاست؟ هفته کودک بهانه‌ای

شد تا در گفت‌وگو با حسین فدایی‌حسین، مریم کاظمی، امیر مشهدی‌عباس، مهدی فرشیدی‌سپهر و میثم یوسفی از فعالان این حوزه، به بررسی علل و عوامل مهم توجه صحیح و هدفمند به تئاتر کودک بپردازیم.

حلقه گمشده‌ای به نام نیازسنجی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در گفت‌وگو با فعالان حوزه تئاتر کودک مورد توجه است، نداشتن شناخت صحیح و کارشناسانه به جایگاه کودک و وظایفی است که جامعه در قبال آنها دارد. موضوعی که به نظر انگشت اتهام را در وهله اول به سوی متولیان

این حوزه دراز می‌کند.

نمایش «جادوگر کوچولو» به نویسندگی و کارگردانی ریحانه باغیادی در سالن نمایش مرکز فرهنگی هنری شماره ۳۰ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اسنان تهران اجرا می‌شود.

این نمایش برگرفته از کتاب جادوگر کوچولو نوشته اوتفريد پرويسلر، نویسنده آلمانی است که تاکنون بیش از ۵۰ میلیون نسخه از کتاب‌های او در سراسر جهان به فروش رسیده و به ۵۵ زبان دنیا ترجمه شده است.

جادوگر کوچولو

روی صحنه می‌رود

حسین فدایی‌حسین با اذعان به این موضوع معتقد است؛ وقتی ما یک نهادی را متولی یک مسأله می‌دانیم، این نهاد وظیفه برنامه‌ریزی دارد. باید در جامعه بچرخد و بررسی کند که در حال حاضر به چه نیاز دارد و آن را در هنر جست‌وجو و از هنرمندان تقاضا کند که در این حوزه فعالیت داشته‌باشند. اما تاکنون این اتفاق نیفتاده‌است، چون فکر نکردیم آن مسئول و برنامه‌ریز باید اول بداند مردم به چه نیاز دارند تا هنرمندان بخواهند روی آن کار کنند. همیشه این فاصله وجود داشته‌است، مسئول همیشه در را روی جامعه بسته و هیچ‌وقت زمان برای بررسی نگذاشته‌است. فقط مخاطبش هنرمندان بوده‌اند و آن هم فکر کرده که من فقط باید هنرمندان را تأمین کنم. هیچ‌وقت نگفته‌است من وظیفه دارم فرهنگ‌سازی کنم و برای آن باید جامعه و نیازهایش را بشناسم و بعد برای آن برنامه‌ریزی کنم. این اتفاق هیچ‌وقت نیفتاده و جالب آن‌که در حوزه کودک وضعیت بدتر است. ما همیشه داد می‌زنیم بچه‌ها ایندگان ما هستند، چه کاری می‌شود برای این آیندگان و شهروندان آینده انجام.د. تئاتر چنین خدمتی را ارائه می‌کند و هر آنچه شما در آینده توقع دارید آدم‌های داشته‌باشند را در بچه‌ها نهادینه می‌کند. هیچ مسئولی به این فکر نمی‌کند که آینده جامعه به چه نیاز دارد و چه ضعیفی وجود دارد که باید حل کنیم؟

نگاه کودکانه به کودکان

عدم آشنایی و اشراف از کجا نشأت می‌گیرد؟ چرا مسئولان متولی در یکی از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌های پژوهش اجتماعی یعنی نیازسنجی هنوز نقصان دارند؟ امیر مشهدی‌عباس نگاه جالبی به این موضوع دارد. او می‌گوید: مشکل اینجااست که کلابه‌کودک و نوجوان نگاه‌کودکانه می‌شود. بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا در زمینه گجت‌ها، تکنولوژی، آگاه‌سازی، سواد مالی، ارتباطات اجتماعی و... برای کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند اما یک نمونه از این کمپانی‌ها را در ایران پیدا نمی‌کنید؛ چون در کل کودک و نوجوان را چیز مهمی نمی‌بینند؛ نه تئاتر، نه سینما و نه کتاب. ما در کار فرهنگی برای کودک و نوجوان یک دهه به آنها بد هکاریم.

از نگاه مشهدی‌عباس مسأله شناخت، دغدغه‌ای است که دیرپا زود باید برای آن راه‌حلی یافت. او می‌گوید: مسأله اینجاست که خیلی از مسئولان ما بسیار متخصص و دغدغه‌مند هستند. کار می‌کنند و واقعا تلاش‌شان قابل تقدیر است. اما بزرگ‌ترین مشکل اینجااست که مسئولان تصمیم‌گیر، فضای کودک و نوجوان کشور را نمی‌شناسند. به عبارت بهتر، به‌جز شاخه‌های پزشکی و روان‌شناسی، ما دیگر برای کودکان تخصصی در کشور نداریم. حتی در این حوزه‌ها درجه یک هم نیستیم. خیلی از مسئولان ماکارشان را بلدند ولی نمی‌دانند برای کدام مخاطب کار می‌کنند. باور کنید خودم شاهد بودم در مراسمی یکی از مسئولانی



این نمایش داستان جادوگر کوچولویی است که می‌خواهد در جشن سالانه جادوگران شرکت کند ولی چون کوچک است اجازه ورود به جشن را ندارد. جادوگر کوچولو تصمیم می‌گیرد بعد از تغییر قیافه در جشن حضور پیدا کند ولی برگزارکنندگان او را می‌شناسند و به او یک سال مهلت می‌دهند تا کارهای خوب انجام دهد و بعد از یک سال در امتحانی شرکت کند و اگر موفق شد در جشن شرکت کند، بنابراین جادوگر کوچولو

که برای حوزه کودک و نوجوان تصمیم‌گیری می‌کند نتوانست سه دقیقه برای پنج کودک حرف بزند. این درد است. وقتی چنین فردی برای کودک و نوجوان کشور تصمیم می‌گیرد نمی‌توانیم انتظار خوراک درست و مناسب برای مخاطب داشته‌باشیم. مشهدی‌عباس به روز نبودن مسئولان را از دیگر وجهه‌های نگاه کودکانه به کودکان می‌داند و معتقد است: برخی مسئولان برای برنامه‌ریزی به کودکی و نوجوانی خودشان رجوع و فکر می‌کنند کودک امروز هم از همان نیازهایی که در گذشته از آن لذت می‌برده، استقبال می‌کند. این نشان می‌دهد که آنها نسل امروز را نمی‌شناسند.

مسئولی که تئاتر را نمی‌شناسد

وقتی بدون نیازسنجی در مسیر برنامه‌ریزی و طراحی نقشه راه برای یک گروه ویژه اجتماعی گام بر می‌داریم و یا در مسیری می‌گذاریم که شناخت کافی از زوایای پنهان و تاریک آن نداریم، انتظار این‌که برخورد مناسبی با تئاتر کودک شود دور از ذهن است. دغدغه‌ای که به نظر زخم کهنه هنرمندانی است که سال‌ها در حوزه کودک و نوجوان تلاش کرده‌اند؛ اما هیچ وقت صدای دردشان شنیده نشده‌است.

مریم کاظمی در این ارتباط می‌گوید: فرهنگ زندگی ما در تئاترمان تجلی می‌یابد. همه علایق، سلیاق، آداب و رسوم، اشتیاق، باورها و روابط اجتماعی‌مان چه با کودکان و چه در ارتباط با بزرگسالان در تئاتر خودش را نشان می‌دهد. در سال‌هایی که به طور مستمر در حوزه تئاتر کودک بودم، متوجه شدم که به نظر می‌آید نوعی ساده‌انگاری یا سهل‌انگاری در تئاتر کودک وجود دارد به این معنی که انگار در سطح تخصصی تئاتر آنچه که به کارگردانی، طراحی‌صحنه، تحلیل متن، تحلیل شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی، طراحی لباس، نور و حرکت مربوط می‌شود انگار در تئاتر کودک نباید خیلی معنی داشته‌باشد. شاید این باعث می‌شود شما فکر کنید تئاتر کودک، تئاتری تخصصی نیست و تئاتری سطح پایین است در صورتی که همه تارکده‌ها و ویژگی حرفه‌ای و متخصص بودن که می‌شود در تئاتر بزرگسال استفاده کرد، به همراه چند آیتیم دیگر نیاز است تالایق باشید تئاتر کودک کار کنید. لذا هرکسی که تئاتر کودک انجام می‌دهد، متخصص این حوزه نیست؛ منتها متأسفانه نه نگاه جامعه به این سمت است که این حرفه تخصصی است و نه خود هنرمندان این احساس را دارند و نه مسئولانی که باید حمایت کنند زیراسطح این گونه‌تئاتری را به اندازه تئاتر بزرگسال نمی‌دانند تا آن را حمایت کنند در صورتی‌که تئاتر کودک در ساختن دنیا ذهنی کودکان و تخیل آنها کمک‌کننده است و دنیای زیبایی را برای‌شان به وجود می‌آورد و برای آنها در بزرگسالی تکیه‌گاه مناسبی فراهم می‌کند. تئاتر به کودکان می‌آموزد در برابر سختی‌هایی که با آن مواجه می‌شوند بهتر عمل و تحمل کنند.

حسین فدایی‌حسین نیز این عدم شناخت را دغدغه مهمی در حوزه تئاتر می‌داند. او معتقد است: ما همیشه صحبت می‌کنیم که باید مردم هر جامعه به لحاظ فرهنگی در رشد اندیشه رو به جلو و پیشرفت باشند. باید بپذیریم جامعه‌ای روی به پیشرفته‌است که آدم‌های آن صاحب اندیشه باشند. این اندیشه از چه راهی باید منتقل شود؟ یکی از این راه‌ها استفاده از توان هنرمندان است. مشکل اینجااست که ما فکر می‌کنیم اگر بودجه‌ای برای تئاتر تخصیص می‌یابد صرف ارتزاق هنرمندان می‌شود اما فکر نمی‌کنیم این بودجه‌ای که برای هنر صرف می‌شود به فرهنگ‌سازی کمک می‌کند. وقتی به این وجه توجه نمی‌شود هنرمندان را طلبکار می‌بینیم که پول می‌خواهند برای این‌که امور زندگی‌شان بچرخد و به حیات‌شان ادامه دهند در حالی‌که این بودجه یک بخش آن ارتزاق هنرمندان است و بخش عمده‌اش صرف توسعه فرهنگ در جامعه می‌شود. این را توجه نمی‌کنیم که ما با این سرمایه‌گذاری روی هنر فرهنگ‌سازی می‌کنیم. ماحصل این نگاه همان چیزی است که میثم یوسفی درباره وضعیت تئاتر کودک

راهی سفر می‌شود و در این سفر اتفاقات جالبی برایش می‌افتد. در اجرای نمایش از سه شیوه ترکیبی عروسکی، بازیگری و تن پوش استفاده شده است.

جادوگر کوچولو ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۲ و روزهای سه‌شنبه تا پنجشنبه ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مهر در سالن نمایش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرکز ۳۰ به نشانی تهرانپارس، بالاتر از فلکه سوم، نبش ۲۱۰ شرقی اجرا خواهد شد.



در گفت‌وگو با تعدادی از صاحب

گام‌های معلمان



عنوان می‌کند. او معتقد است که اولین و اصلی‌ترین نیازها، نیاز به خوراک و پوشاک است. چرا خوراک فکری در این دسته جا ندارد؟ نتیجه همین اهمیت‌ندادن‌ها این می‌شود که همیشه از نظر فرهنگی دچار عقب‌ماندگی هستیم که سرانه خواندن کتاب در کشور ما از زیر صفر هم پایین‌تر است!

هنرمندی که جایگاهش را نمی‌شناسد

در مسیر فرهنگ‌سازی عموما با یک مثلث روبه‌رویم که یک ضلع آن مسئولان، ضلع دیگر هنرمندان و ضلع سوم مردم قرار دارند. سه ضلعی که در عین ارتباط مستمر با هم، بر اقدام و عمل دیگر اضلاع تأثیر دارند. به عبارتی گرچه کم‌توجهی مسئولان متولی به مقوله تئاتر کودک و عدم شناخت آن مقوله‌ای غیرقابل‌انکار است اما نکته مهم‌تر آن‌که نقش هنرمندان به‌عنوان طلایه‌داران فرهنگ‌ساز و انتقال‌دهنده ارزش‌ها در جامعه، در مسیر آشناکردن مسئولان به این حوزه چیست؟ آنها چه جایگاهی داشتند و چه کردند؟ در ارتباط با ضلع سوم یعنی مردم آنها چقدر موثر عمل کرده‌اند؟ امیر مشهدی‌عباس در این زمینه می‌گوید: «اگر واقعا تئاتر کودک نوجوان وجود دارد این مدیون هنرمندانی است که دغدغه کودک دارند. من خودم یک دوره جزو مسئولان بودم و واقعیت این است که ما

اجرای گروه موسیقی روشندان «هاتف»

فرهنگسرای ارسباران به مناسبت گرامیداشت روز عسای سفید، یازدهمین شب موسیقی ارسباران را با اجرای گروه «هاتف» به سرپرستی و خوانندگی هنرمند روشندل هاتف شرار، روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه ساعت ۱۹ برگزار می‌کند. گروه موسیقی هاتف متشکل از نوازندگان نایبناست و اجراهای متعددی را در مراکز فرهنگی - هنری تهران و شهرهای مختلف ایران طی سال‌های اخیر برگزار کرده است. هاتف شرار، سرپرست این گروه آواز را نزد استاد اکبر گلیایگانی آموخته و در سنتورنوازی از محضر استاد میلاد کیایی بهره برده و تاکنون از وی دو آلبوم رسمی به نام‌های «چه میشد» و «انگار نه انگار» منتشر شده است. گروه هاتف متشکل از هاتف شرار (خواننده و نوازنده سنتور)، پوریا حاتمی (نوازنده پیانو)، محسن عبدالکریمی (نوازنده ویولن) و علی جاویدان پور (دف و کاخن) است که به اجرای قطعاتی مثل حالمان بد نیست، انگار نه انگار، نرو و رفت و تصنیف‌های رفتم که رفتم و سوغاتی خواهند پرداخت. حضور در این برنامه برای علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

نوا



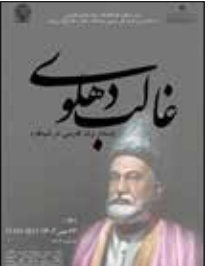
رویداد

همایش دهلوی پاسدار زبان فارسی

در ادامه مجموعه نشست‌هایی که به منظور پاسداشت خدمات فرهنگی و ادبی شعرا و ادبا در شبه‌قاره فعالیت کرده‌اند، همایش بین‌المللی غالب‌دهلوی با همکاری بخش فرهنگی سفارت هند برگزار می‌شود.

مدیر گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی شبه‌قاره فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اعلام این خبر گفت: غالب‌دهلوی پس از زبید دهلوی بزرگ‌ترین شاعر فارسی‌زبان شبه‌قاره به‌شمار می‌رود. اونه‌تهابه زبان فارسی بلکه آثار متعددی به زبان اردو در نظم و نثر خلق کرده است. نصیری افزود: هدف از برپایی این همایش یک‌روزه معرفی هرچه بیشتر غالب‌دهلوی و خدماتی است که به زبان فارسی و اردو انجام داده است. همچنین در این همایش از دو کتاب «مهر نیمروز» تصحیح دکتر کریم نخعی‌برگز و «غالب‌دهلوی» تألیف مهدی فیروزیان رونمایی خواهد شد.

همایش بین‌المللی یک‌روزه غالب‌دهلوی؛ پاسدار زبان فارسی به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی با همکاری بخش فرهنگی سفارت هند، یکشنبه، بیست‌وسوم مهرماه، از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر در تالار دکتر شهیدی فرهنگستان برگزار می‌شود.



«طوفان الاقصی» در نگاه هنرمندان

این روزها «طوفان الاقصی» موجی از شادی را در دل هنرمندان آزادیخواه به‌پا کرده و شاهد آثار متنوعی با موضوع نابودی اسرائیل هستیم.

یکی از این هنرمندان اوگوژان سیفچی ترکیه‌ای است که در اثر زیبایی با تمرکز بر این‌که چوانسان مسلمان راه رهایی قدس را نشان می‌داند، دختری را به تصویر کشید که با گل سرخ مسیر قدس را نشانه‌گذاری می‌کند.

قاب

